

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پردل روستائی

۰۷ دسمبر ۲۰۱۷

## پافشاری ننگین فرصت طلبان بر تسلیم طلبی به اشغالگران!

درست شانزده سال قبل در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱م امپریالیست های اشغالگر امریکائی و ناتوئی در همکاری مثنی از زنازادگان تاریخ و جنایت پیشگان وطفروش(جهادی، طالبی، خلقی و پرچمی، افغان ملتی، تکنوکرات های فراری غربی، روشنفکران فرصت طلب، سرخورده و نادم، باندهای تبهکار مافیائی، قاچاقبران مواد مخدر، جنگسالاران، سودخواران نوکیسه دلال کمپرادور...) در همراهی ده ها هزار نیروی مسلح متجاوز با تجهیزات پیشرفته جنگی با هیاهوی استعماری، فصل تجاوز و غارت قرن را در بامداد قرن بیست و یکم میلادی، بر کشور مخروبه و مردمان دردمند این سرزمین باز نمودند. نظامیان امریکائی و متحدان شان مشترکاً در غارت و چپاول همه هستی این سرزمین، در همکاری مستقیم با خیل غارتگران و دزدان جاده صاف کن داخلی، با اعمال جنایات ننگین و تکان دهنده، به جان مردم مظلوم، رنجدیده و ستمکش افغان افتادند.

نیرو های استعماری برای تداوم اشغال وطن ما، با دستوردهی به مثنی بی وطن، خود فروخته، بی کفایت، ریزه خوار سفره چرکین و پر خون تجاوزگران، به آن آرزوی شوم خود جامه عمل پوشاندند. وطفروشان مزدور با زمزمه طوطی وار طرح ها و برنامه های استعماری تحت نظر استعمار جهانی، با تکیه بر اسم بی مسمای "ملل متحد" و به اصطلاح سند استعماری را زیر نام قانون اساسی و فرامین به ظاهر دلکش چون ماده ۳۴ آزادی بیان، ماده ۲۴ حق آزادی را تصویب نموده، و سر و صدای عوامفریبانه انتخابات پارلمانی و ریاست دولت مستعمراتی و ده ها غوغا و نیرنگ استعماری را به راه انداختند. اشغالگران با توسل به استنمار که با ترفند های گوناگون و کارگیری شگرد های مختلفی که در درازنای تاریخ استعماری خود آموخته اند، دست به کار شدند و بدان منوال بی عدالتی ها و جنایات ضد بشری خود را آرایش دادند؛ که این ها همه و همه یک طلسم استعماری بیش نبود و نیست.

از همان آوان قدوم نامیمون امپریالیست های اشغالگر امریکائی و ناتوئی در کشور ما، عده ای از روشنفکران فرصت طلب، منحرف، مرتد و منفعل خزیده در رده های بالائی تشکیلات سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"، منتظر فرصت، سر سازش و معامله پنهانی را با شبکه جاسوسی امریکا (سیا) و محافل استخباراتی دول متجاوز اروپائی و سفارت خانه های شان گذاشتند. این گمراهان تسلیم طلب برای فریب افراد ناآگاه و دنباله رو؛ تئوری پوچ و بی اساس «سرکوب فئودالیسم توسط امپریالیسم» را تبلیغ نمودند و از موضع گیری ضد ارتجاعی و ضد استعماری عدول کرده می خواستند "ساما" را علناً در دامن استعمار ببندازند. این رویه صفتان مکار که جرأت این کار را نداشتند، با

کرنش در پای لانه های جاسوسی سازمان جهانی "سیا"، "حزب آزادی خواهان" و "حزب شورای اقوام" را با مجوز وزارت عدلیه دولت مستعمراتی علنی ساختند و در جریان انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی دولت مستعمراتی شرکت جستند. این خادمان وفا شعار استعمار، در ازای این خیانت تاریخی، چند پول سیاهی به عنوان پاداش از اربابان اشغالگر شان دریافت نموده و خواستار منصب و قدرت گردیدند. این اشغال های روشنفکر نمای تسلیم طلب در طول شانزده سال تمام به جای این که اشغال را تقبیح کنند، ارتجاع را آماج حملات خود قرار دهند؛ توطئه های استعماری را افشاء نمایند؛ در آگاهی توده ها بپردازند؛ در رکاب اشغالگران امریکائی و ناتوی این دشمنان آزادی، استقلال سیاسی، نوامیس ملی مردم ما دوینند. این تسلیم شده ها به اشغالگران، عوامفریبانه چهره انقلابی و "سامائی" را به رخ کشیده، با دهان گشاد، خود را ناف زمین و زمان پنداشتند و با ژست های به ظاهر روشنفگری و دموکراتیک، شعار های مطلوب استعمارگران متجاوز را قوله کشیدند. از آوان تسلیم طلبی و سازش و تسلیمی شان به سیستم امپریالیستی و انحراف شان از اصول اندیشه پیشرو عصر، از اصول سازمانی "ساما" به انحراف رفتند؛ تفکر شان از عمل مبارزاتی تهی شد و چنگ و دندان شان برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع کند شده و با استفاده از موقعیت پیش آمده فرصت طلبانه در صدد کسب سود، ثروت و قدرت تقلاء را آغاز کرده و در عین حال ارتداد و خیانت خود را زیر نام روشنفگری و کار دموکراتیک پنهان ساختند.

در این اواخر دولت مستعمراتی با هزینه امپریالیست های اشغالگر امریکائی و ناتوی انتخابات نام نهاد پارلمانی و شورای ولایتی را در سال ۱۳۹۷ ش زوزه می کشد. تسلیم طلبان و منحرفان خیانت پیشه می خواهند طبق معمول خاک را به چشم عده ای از خود بیخبر و ناآگاه زنند و برای دریافت پول و وعده های چرب سرخرمن برای خود سیاهی لشکر و برای کاندیدای مورد نظر جناح تمامیت خواه "غنی احمدزی" مثل دفعه قبل، نفر جمع کنند. بنه، این ابن الوقتان آستان بوس درگاه استعمار امپریالیستی سالوسانه تحت نام تجلیل از روز شهدای "سامائی"، سیاهنامه بی سر و تهی را در بین حواریون خود توزیع کردند. همین منحرفان، خیانت کاران، تسلیم طلبان، اعترافنامه مبهم، گنگ و بی ربط و غیر قابل فهم - سند خیانت ملی و تاریخی خود - را اغواگرانه، «"ساما" صدای آزادی و عدالت» عنوان دادند. این منحرفان ابله نمی دانند که تشت رسوائی شان از بام افتیده و شکسته است. مردم بی خبر نیستند، تجربه حاصل کرده اند. همه می دانند که این منافقان تسلیم طلب در طول شانزده سال زیر سایه ارباب ستم لمیده و نام "ساما"، برنامه، اهداف و شهدای بزرگ آن را به تمسخر گرفته اند، جایگاه و بزرگی "سامائی" را در بین جنبش چپ جهان لکه دار ساختند، هیچ دری از قاتلان جانبازان "ساما" نبود که این خودفروخته های منحرف با رنگ زرد، وجدان مرده، شرم آلود دق الباب نکرده باشند و با همه دنانت، حرافی و پرروئی ویژه شان، مصروف تجارت و زراندوزی خود بوده اند. این مزدوران دالر و یورو، برای پول و ثروت - که در مقایسه با همتا های تسلیم طلب فربه شان در گروه های منحرف "سفارت رو" و "ان جی او باز" دیگر - صاحب آن نشدند، همه چیز را به شمول حیثیت خود و نام و نشان "ساما" و شخصت های پاکباز آن به گرو گذاشتند. سؤال اینجاست که حالا چه شد که پس از شانزده سال خیانت، به یک بارگی ۱۸ جوزا، روز شهداء به یاد شان آمد؟ به خوبی معلوم خواهد شد که که زیر کاسه چه نیم کاسه ای گذاشته اند. نکند که این توطئه را بابت مصروف سازی و بدنام کردن "سامائی" های اصیل که آرمان "ساما" و جانبازان بزرگش را پاس می دارند، ریخته اند، و یا حلقات استخباراتی متجاوزان امریکائی و ناتوی در این برهه از زمان برای شان وظیفه سپرده باشند که جایگاه "سامائی" ها را به زیر کشند. و یا این که برای پر کردن کیسه های خالی شان عوامفریبانه با پرروئی و بی حیائی تمام مزورانه به چرندیات پرداخته اند. هر سه تا از این دلایل ادامه خیانت، قوی اند. ورنه این منحرفان کسانى هستند که در برابر برنامه "ساما" بارها و بارها قد علم کردند، به خون و آرمان

رهبران و کادر های جانباز "ساما" پشت کردند، تئوری پیشرو عصر را به باد تمسخر گرفتند، شرکت "سامائی" ها در پیکار سترگ آزادی خواهی را در برابر سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس کم بها حساب نمودند. اکنون هم در اعترافنامه خیانت شان نوشته اند که: «در غیاب و انکار چنین واقعیات و بیرون نیامدن از چوکات و فورم های گذشته و لجابت روی آن به ویژه اصرار بر تداوم شعار ها ، شمائل، ابزار و لباس رزم قرن بیستمی و نپذیرفتن لزوم تغییرات و تحولات، باید بر طرز نگرش و بنیاد پویایی فکری و سیاسی خود خط بطلان کشیده و بر انجماد و تاجر تمکین کرد!». بلی روشنفکر مرتد، آن شعار خط مشی مستقل ملی و انقلابی را که توسط الگوی حماسی، مبارز نستوه، انقلابی بزرگ، فرزند پاکباز خلق، اسطوره تاریخ سنگر و انقلاب، مرد مترقی و متفکر وفادار به انقلاب، چهره درخشان ضد استبداد و ضد استعمار، سیمای راستین آزادی، عدالت و ترقی اجتماعی و وجدان بیدار توده های ستمکش خلق افغانستان؛ زنده یاد رفیق "مجید" و همراهان شان برای "ساما" و خلق به خون خفته کشور ترسیم نموده بود؛ غلط پنداشته و زوه کشان ادعا دارند که "ساما" در جنگ کبیر ملی و مهینی با فداکاری شرکت کرد، ولی انقلاب زحمتکشان به پیروزی نرسید. جا دارد که از زنده یاد "قیوم رهبر" در مورد نقش رهبری در سازمان ما نقل قولی آوریم: "سازمان ما در عین حال که برای ایجاد ستاد فرماندهی پرولتاریا مبارزه می کند، همزمان با آن نمی تواند در مقابل اشغالگران روسی بی تفاوت بماند".

بی شرمانه با این ادعا که حالا جهان در قرن بیست و یکم قرار دارد، سرمایه مالی برای سرکوب خلق زحمتکش کشور های مورد یورش آن تمرکز جهانی یافته (گلوبالیزیشن) و بازار آزاد، رقابت آزاد، انتخابات و پارلمان رونق یافته، باید با سیستم جهانی امپریالیستی وابسته شویم و می گویند که «در این دنیا قطع وابستگی و مناسبات بین المللی بزرگ ترین قدرت های سرمایه داری را نیز به زانو درمی آورد». یادمانی کرده اند که «چین تحت حاکمیت حزب کمونیست بیش ترین معاملات و تبادلات اقتصادی را با جهان غرب و امریکا دارد». این روشنفکر مرتد خوب می داند، ولی مزورانه دولت امپریالیستی ضد خلق چین را تحت رهبری کمونیستی حزب کمونیست چین وانمود می سازد. می دانیم که منحرفان کمر خیانت به وطن را بسته اند ، همه مردم می فهمند که شعار های دموکراسی، آزادی بیان، حقوق بشر، حقوق زنان و...، ابزار، نمود ها و نماد های استعمار اند. این شیدان دیدند که چند روز قبل چگونه اعتراضات گویا مدنی همقطاران ناراضی خود را روی جاده ها تیرباران کردند، اما این مشاطه گران بی آزر سیمای پلید استعمار عامدانه می گویند که «تحقق دموکراسی، آزادی بیان و تشکل اجتماعات یکی از برجسته ترین تعهداتی است که دولت افغانستان و جامعه جهانی انجامش را روزانه تکرار می نمایند.» مرتدان حراف همانند سران دولت مستعمراتی خیره سرانه مدعی اند که: «خیزش های مردمی به صورت مدنی، اعتراضات، دادخواهی ها و اصلاح طلبی ها حق یک ملت می باشد که در قانون اساسی افغانستان مسجل گردیده است». بلی، آخر حرف دل تان را گفتید! شما منحرفین پادو استعار و دولت دست نشاندۀ در طول ۱۶ سالی که در رکاب اشغالگران امریکائی و ناتوئی دویدید، اربابان اشغالگر تان آزادی ملی کشور ما را لگد کوب کردند، ملیشبیای ستمگر نظامی دولت مستعمراتی و در همسوئی اخوانی ها، خلقی ها و پرچمی ها ، روشنفکران مرتد، باند های اخوانی طالبی و داعشی، افغان ملتی ها و دیگر ریزه خواران سفره استعمار در سایه اشغالگران با چرک استعمار و خون مردم زراندوزی کردند، سیاست زمین سوخته را طراحی و تطبیق کردند و شما وجدان باخته ها نظاره گر گسترش فقر و بیکاری عمدی زحمت کشان و ده ها جنایت استعمارگران و دولت مزدور شان بودید.

حالا به گمان غالب که "گلبدین حکمتیار" تسلیمی رهبر گروه آدمکشان اخوانی، به دستور ارباب دیرینه خود به دولت مستعمراتی پیوسته، صف بندی های جناح ارتجاعی در درون نظام مستعمراتی آغاز شده است، منافع حقیر و موجودیت

شما و هم قماشان نق نقی تان در رقابت مزدوران در خطر قرار دارد، حالا "سامانی" شدید! زمانی زنده یاد "قیوم رهبر" در مورد تسلیم طلبان، انحلال طلبان و مسخ شدگانی از قماش شما مرتدان نوشته بود: "رهبرانی که توده های سازمانی را نسبت به ایدئولوژی اش بی باور می ساختند و آن ها را تشویق می کردند از آبخور غیرپرولتری خود را تغذیه نمایند؛ رهبرانی که در مواقع بحرانی نتوانستند دست کمک به طرف کتله های عظیم سازمانی دراز کنند و بعد از شکست ها نتوانستند برای آن ها دلیلی علمی ارائه دهند؛ کادر هائی که در مواقع بحرانی دیگران را به انحلال سازمان تشویق می کردند، سر قرار های خود نمی رفتند، حلقه را بی ارتباط و بی سرپرست می گذاشتند و یأس و ناامیدی را در دل آن ها می پروردند؛ حق ندارند از توده ها طالب اعتماد باشند. آن هائی که به توده های سازمانی و به جهت گیری مثبت و انقلابی آن ها ایمان ندارند، نمی توانند مورد اعتماد توده های سازمانی باشند. کادر هائی که ریشه های خبیث تسلیم طلبی - تسلیم طلبی ایدئولوژیک و یا سیاسی - را آب می دادند، درخور اعتماد توده ها نیستند و بدین صورت نمی توانند ادعای نمایند که چرا توده بر ما اعتماد ندارند".

آری! همین ها اند دلیل مطرود شدن شما آلوده دامان ها از ساحت منزله "ساما" و دلیل بیگانگی تان با "ساما"، اندیشه، تاریخ، شخصیت ها و حال و آینده اش. و باز به همین دلیل روشن، شما تسلیم طلبان ایدئولوژیک و سیاسی پناه برده به درگاه استعمار و ارتجاع حق ندارید بذر شجره خبیثه تسلیم طلبی ایدئولوژیک - سیاسی و گیاهان هرزه انحلال طلبی و مسخ فکری خود را در زمین "ساما" بکارید و برویانید.

این منحرفان مرتد پاسبان درگاه استعمار که جویده های فکری استعمار را نشخوار می کنند، با ارجاع مردم معترض و جوانان ناآگاه به سراب قانون اساسی مستعمراتی دیکته شده توسط اشغالگران، از آدرس "ساما"، عامدانه قصد ایجاد اغتشاش و آشفته فکری در میان توده ها را دارند. با این شیادی تسلیم طلبانه و خیانت تاریخی، اینان قصد دارند در عین خدمت به اشغالگران کشور و قاتلان مردم خود، "سامانی" هم باشند و وقیحانه انتظار دارند که توده های سازمانی از اینان بشنوند و دستور بپذیرند؟!!

زنده یاد "قیوم رهبر" به مناسبتی، پیرامون نقش رهبری در "ساما" چه دقیق و به جا گفته است: "رهبری در سازمان سیاسی - نظامی کارگری فقط می تواند بر پایه وفاداری ایدئولوژیک - سیاسی به منافع طبقه و دفاع از منافع زحمتکشان افغانستان با بلند بردن مداوم آگاهی سیاسی خود و آن ها، اشتراک فعال در کار های عملی، تلفیق و تجربه پیهم آن در پهنای ملی، میسر است." ولی دون صفتان تسلیم شده به استعمار، به رغم این گوشزد و هوشدار "رهبر"، با تفکر تسلیم طلبانه خرده بورژوائی خود خاکباید و هیاهو راه انداخته تا با بسیج عده ای سیاهی لشکر ناآگاه و متوهم در پایگاه استعمار، در دستگاه دولت مستعمراتی به منصب و قدرتی رسیده و در ازای آن خیانت و خودفروشی، چند قرانی کمائی کنند.

زنده یاد "رهبر" در مناسبت دیگری نوشته است: "یک سازمان پرولتری که به منافع طبقه خود و منافع زحمتکشان وفادار است و علیه نظامات کهنه به جنگ برمی خیزد و علیه نظام بهره کشی طبقات - چه در سطح ملی و یا بین المللی - قد علم کرده است، نمی تواند مناسبات خود را با طبقه خود و یا مجموع مردم زحمتکش بر پایه ارزش ها و امتیازاتی بنا نهد که از جامعه کهن به ارث برده است. خود خواهی، خود مرکز بینی، توطئه گری، دو روئی، بی تفاوتی نسبت به امر طبقه و انقلاب و غیره؛ صفات و ارزش های نکوهیده ای اند که نمی تواند با ماهیت انقلابی، انتقادی، پیشرونده و زنجیر گسل پرولتاریا و منافع وی دمسازی کند. لذا رهبرانی که افتخار پیشوائی این طبقه را دارند، نمی توانند از مصالح و امتیازات اجتماعی موجود به طور کلی بهره گیرند. به عکس آن ها با اعلان جنگ با نظامات کهن، ارتباط عمیق با توده ها، وفاداری نسبت به منافع آن ها در بطن رنج ها و سیه روزی های طبقه خود و یا دیگر زحمتکشان؛ سر برون می

آوردند و با دفاع قاطعانه از منافع آن هاست که وفاداری، اعتماد و همکاری فعال کادر ها، فعالان و توده های سازمان و بالاخره وفاداری طبقه خود را جلب می کنند".

آری! زنده یاد "رهبر" ضمن برشمردن شرایط رهبر شدن در یک سازمان پیشرو پرولتری و اوصاف رهبران پرولتری و شرط وفاداری به منافع و آرمان طبقه خود؛ گویا آینده ذلت بار و حالت زار و زبونی رهبرانی که عرضه و صفات رهبری، و وفاداری به کلکتویسم و طبقه خود را ندارند و اعتماد اعضای سازمان و توده ها را از دست داده اند و به جای "اعلان جنگ با نظامات کهن"، در مقابل آن سپر می اندازند و لباس رزم از تن می کنند و یا چون بند ریگی می خواهند مانع سیل توفنده شوند؛ را نیز پیش بین بوده است.

در ادامه این عبارت پردازی مسخره و تسلیم طلبانه، شارلاتان های مرتد و منحرف احمقانه از ارباب ستم یعنی اشغالگران امریکائی و ناتوئی گله دارند که چرا «نتوانستند و نخواستند به استقرار یک نظام دموکراتیک، تحقق دموکراسی و توسعه» پردازند. و افزودند که «در صورتی که نتوانستند، پس اقرار نمایند که این قدرت ها با تمام امکانات سرسام آور نظامی، اطلاعاتی و تخنیکی در برابر چند گروه افراطی عاجز آمده و در مانده اند تا مردم ما تکلیف خود را دانسته و جهان قضاوت و شناخت خود را نسبت به این پندیدگی و کر و فر و ادها های این قدرت ها بازنگری و واقعی سازند». و نوشته اند که «اگر نمی خواهند و نیم کاسه ای زیر کاسه است، این نخواستن نزد مردم افغانستان روشن و تثبیت گردد». حال آن که مردم مکتب ناخوانده هم می دانند که طالبان، داعشیان و جهادی های "افراطی"، چوبدست امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم توسعه جوی امریکا اند. این کوتوله باندتسلیم طلبان با چنین ادعای مسخره و غیر واقعی، بالا تر از هذیان گوئی، قصد کتمان ماهیت تجاوز و اشغالگری امپریالیست های متجاوز امریکا و ناتو و حضور اشغالگرانه و اهداف استعمارگرانه آنان را در افغانستان و منطقه دارد. از منظر این منادی تسلیم طلبی، گویا "جنگ امریکا با تمام امکانات سرسام آور نظامی، اطلاعاتی و تخنیکی، در برابر چند گروه افراطی" است؛ جنگی که از آن "عاجز" مانده است.

این نماد خیانت و تسلیم و حراف یاوه گوی به روال گذشته در صدد تکرار یاوه های قبلی اش (جنگ امپریالیسم با فئودالیسم) است و می خواهد بر "سامائی" ها و مردم بقبولاند که گویا امپریالیسمی که هر روز در کشور ما خون بی گناهان را می ریزد و وطن ما و منابع آن را ویران و غارت می کند، برای جنگ با "چند گروه افراطی" پیشقدم شده است و به قصد خدمت به مردم افغانستان برنامه هائی نیز برای آوردن مدنیت، دموکراسی، ترقی، تکنیک، حقوق بشر، حقوق زن، آزادی بیان و غیره چیز های خوب دارد. در حالی که سردمداران جنایت پیشه و هژمونی طلب کاخ سفید - هم دموکرات و هم جمهوری خواه - بار ها در مصاحبه ها و سخنان شان آشکارا اظهار داشته اند که: "ما در افغانستان منافع داریم و به خاطر آن، در آن کشور هستیم و می جنگیم!"؛ به رغم آن سخنان آشکار زعمای دولت امپریالیستی جهانخوار امریکا، نماد سجد و خیانت در صدد اغتشاش آفرینی و کتمان دلیل اصلی حضور قوای اشغالگر امپریالیسم و جنگ شانزده ساله تجاوزکارانه امپریالیسم علیه مردم آزادی دوست افغان است. اما به رغم این شهادی و شعبده بازی این منادی انقیاد ملی، باید گفته شود که جنگ و اشغالگری امپریالیست های متجاوز امریکا و ناتو و حضور اشغالگرانه آنان در افغانستان اهداف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی در افغانستان و منطقه دارد. در واقع این جنگ جنایتکارانه در قدم اول علیه مردم افغانستان و در قدم دوم علیه مردمان منطقه است، نه علیه "چند گروه افراطی". زیرا اهداف کلان این جنگ و اشغالگری در همه ابعادش، تنها با به انقیاد کشیده شدن مردم ما به دست می آید که چنین مبادا! ارتش های اشغالگر و سازمان های استخباراتی اشغالگران و ضمایم مستعمراتی آن، بازوی نظامی و ابزار اجرائی این جنک تجاوزکارانه اند.

انقلابی نمای منحرف و مرتد در نقش کاسه داغ تر از آش، در جای دیگری از ترهاتش مدافع نظامیان دولت مستعمراتی شده می نویسد که «...دست خون آلود و وحشت آفرین تروریسم از قماش طالب و داعش هر روزه از هموطنان ما و سربازان فداکار میهن قربانی می گیرد» و در جای دیگری از تسلیم نامه اش، در مورد نظام مستعمراتی ناوحدت ملی نامیدانه می نویسد که «وقتی میان دولت و ملت دره ای به این پهنا و عمق به وجود آید و دیوارهای عظیم سمندی آن را از هم جدا کند، امیدی برای غلبه دشمن، پیروزی و درهم شکستن برنامه ها و تهاجماتی که ما را از داخل و خارج تهدید می کند؛ غیر ممکن می گردد.» آری جان کلام همین جاست که شما مرتدان و منحرفان جیره خوار خوان یغمای امپریالیسم؛ مدافع منافع اشغالگران امریکائی و ناتوی و دولت مستعمراتی هستید، نه عضو مدافع "ساما". این جاست که غلط گفتید، گمراه شدید، خیانت کردید، مرتد شدید و منفور و رسوای عالم و آدم شدید. شما کاسبکاران مرتد کجا و سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" کجا! اینست جان کلام و لب لباب انحراف و به گفته زنده یاد "رهبر"، کنه "تسلیم طلبی ایدئولوژیک - سیاسی" تان!

آرمان انقلابی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" بازتاب دهنده آمال و منافع طبقه زحمتکش کشور است. برنامه و اهداف "ساما" در پرتو ایدئولوژی پیشرو عصر حسابی تدوین شده است. شما در عین انحراف از راه "ساما"، ارتداد از اندیشه انقلابی "ساما" و خیانت تسلیم طلبانه با آن؛ سالوسانه و ابلهانه به دستور استعمار و ارتجاع خود را ناحق "سامائی" وانمود کردید، در حالی که از زمین تا آسمان با اندیشه، آرمان، برنامه، آئین نامه و خط مبارزاتی "ساما" در تضاد آشکار قرار دارید. منحرفان مرتد! شما در عین مشق دلربائی تان در آغوش استعمار، به کدام رهنمود و اصول سازمانی رهبران جانباز "ساما" معتقد و متعهد بودید و یا هستید؟

شما با خودفروشی تان در بازار تقلب به امپریالیسم و ارتجاع، به نام سازمان پرافتخار "ساما" و معامله تان بر سر یک اندیشه، یک آرمان، یک تاریخ و یک کاروان جانبازان و جانباختگان "سامائی"؛ اکنون وظیفه گرفته اید که هویت پرافتخار "ساما" را لکه دار سازید تا در ازای آن خیانت ملی و تاریخی تان، سازمان های جاسوسی و استخباراتی اشغالگران امپریالیست امریکا و ناتو به سر تان دست نوازشی بکشند. شما برده های بی وجدان ضمن مباحثات بر افسار بردگی، انتظار واهی دارید تا اربابان اشغالگر و آدمکش تان در گوشه ای از خوان استعماری رنگین با خون سرخ هم میهنان آزاده تان و در کفه ترازوی قدرت پوشالی دولت مستعمراتی برای تان خُرده جائی باز کنند.

اما به رغم این خیانت، ارتداد و تسلیم باند خودفروخته تان، اعضای اصولی ادامه دهنده راه "ساما"ی انقلابی با باورمندی استوار علمی به اندیشه انقلابی، با تلاش مستمر خستگی ناپذیر برای پیریزی تشکیلات سیاسی آبدیده، منضبط، مستحکم و با مواضع روشن در قبال اوضاع موجود و استعمار و ارتجاع، با طرد کلیه مظاهر وابستگی، با طرد نماد های پلشتی علیه اشغالگران امپریالیست و دولت دست نشانده آن و علیه امپریالیسم و ارتجاع با پیروی از مشی مستقل ملی و انقلابی، معتقد به آرمان طبقه کارگر، با قامت استوار دور هر نوع لغزش و دغدغه زمان مبارزه می کنند، ره می سپرند و در برابر قامت خمیده شما، با قامت رسا و قاطعیت انقلابی می رزمند و در مسیر نشانی شده با خون سرخ پویندگان و رهگشایان جانباز ره می سپرند و چشم به افق روشن فردا دارند.

"ساما" ابزار انقلاب است. "سامائی" های اصیل باورمند به آرمان "ساما"! بر شماست که نگذارید تسلیم طلبان فرصت طلب، منحرفان، انحلال طلبان، مسخ شدگان، کاسبکاران، معامله گران و مرتدان بر سر نام نامی "ساما"ی انقلابی معامله کنند و جایگاه آن را به زیر کشیده و وجاهت رزمجویانه آن را خدشه دار سازند!

ننگ و نفرین بر روشنفکر نمایان منحرف، متقلب و تسلیم طلب!

مرگ بر امپریالیسم اشغالگر!

نابود باد ارتجاع در همه شمانش!  
در اهتزاز باد درفش مبارزه آزادی و انقلابی!